

مجموعه تاریخ ایران و عثمانی

۹

تاریخ نورس

(گزارش جنگ های ایران و عثمانی در اروان)

۱۱۴۳ هجری قمری

عبدالرزاق نورس افندی

تصحیح و مقدمه

حسین آککایا

ترجمه از ترکی عثمانی، مقدمه، توضیحات و پیوست ها

دکتر نصرالله صالحی - صفیه خدیو



نشریات طوری

سرشناسه	: نورس افندی، عبدالرزاق، ۱۷۶۲-م.
عنوان و نام پدیدآور	Nevres-i Kadim : تاریخچه نورس: گزارش جنگ‌های ایران و عثمانی در ایروان ۱۱۴۳ هجری قمری/عبدالرزاق نورس افندی؛ تصحیح و مقدمه حسین آک‌کایا؛ ترجمه از ترکی عثمانی، مقدمه، توضیحات و پیوست‌ها نصرالله صالحی، صفیه خدیو.
مشخصات نشر	: تهران: طهوری، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۲۰۲ص.: مصور.
فروست	: مجموعه تاریخ ایران و عثمانی؛ شماره ۹.
شابک	: 978-600-5911-56-5
وضعیت فهرست نویسی: فیبا.	
یادداشت	: چکیده اثر به زبان انگلیسی در انتهای کتاب آورده شده است.
یادداشت	: عنوان اصلی: Tarihçe-i Nevres : inceleme, tenkitli metin
یادداشت	: ص.ع. به انگلیسی: Abdul Razzaq Nures Efendi. Tarikhch-e Nures: a chronicle of Safavid - Ottoman wars in Yerevan 1143/1731, 2018.
یادداشت	: کتابنامه.
یادداشت	: نمایه.
عنوان دیگر	: گزارش جنگ‌های ایران و عثمانی در ایروان ۱۱۴۳ هجری قمری.
موضوع	: علی‌باشا، حکیم‌اوغلو ۱۶۸۹-۱۷۵۸م.
موضوع	: Ali Pasha, Hekimoğlu
موضوع	: ترکیه - تاریخ - محمود اول، ۱۷۳۰-۱۷۵۴م. - متون قدیمی تا ۱۸۰۰م.
موضوع	: Turkey -- History -- Mahmud I, 1730-1754 -- Early works to 1800
موضوع	: ایروان (ارمنستان) - تاریخ - متون قدیمی تا ۱۸۰۰م.
موضوع	: Yerevan (Armenia) -- History -- Early works to 1800
موضوع	: ایران - تاریخ - صفویان، ۹۰۷-۱۱۴۸ق. - متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع	: Iran -- History -- Safavids, 1502 - 1736 -- Early works to 20th century
موضوع	: ایران - تاریخ - صفویان، ۹۰۷-۱۱۴۸ق. - جنگ‌ها
موضوع	: Iran -- History -- Safavids, 1502 - 1736 -- Wars
شناسه افزوده	: آک‌کایا، حسین، مصحح
شناسه افزوده	: صالحی، نصرالله، ۱۳۴۳-، مترجم
شناسه افزوده	: خدیو، صفیه، ۱۳۵۷-، مترجم
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۸ ن ۹۷/۹ DR۵۴۷
رده بندی دیویی	: ۹۵۶/۰۱۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۵۵۸۵۶۹

تاریخچه نوس

(گزارش جنگ‌های ایران و عثمانی در ایروان)
۱۱۴۳ هجری قمری

عبدالرزاق نوس افندی

تصحیح و مقدمه

حسین آک‌کایا

ترجمه از ترکی عثمانی، مقدمه، توضیحات و پیوست‌ها:

دکتر نصرالله صالحی - صفیه خدیو



انشارات طوری



اشارات طهری

شماره ۱۳۰۴، خیابان انقلاب، صندوق پستی ۱۶۴۸-۱۳۱۴۵
تلفن ۶۶۴۸۰۰۱۸ - ۶۶۴۰۶۳۳۰

تاریخچه نوریس

به کوشش:

دکتر نصرالله صالحی - صفیه خدیو

چاپ اول، ۱۳۹۸

تیراژ، ۵۵۰ نسخه

صفحه آرای: علمروز

امور فنی و ناظر چاپ: بهروز مستان

حق هرگونه چاپ و انتشار برای انتشارات طهری محفوظ است

۵۸۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۸	الف: منابع ایرانی
۱۳	ب: منابع ارمنی
۱۵	ج: منابع اروپایی
۱۷	د: منابع عثمانی
۲۶	دربارۀ ترجمه
۳۳	منابع
۳۷	مقدمۀ مصحح
۴۱	۱. معرفی اثر
۴۱	الف: مؤلف
۴۲	ب: نام اثر
۴۴	پ: سبک اثر
۴۴	ت: موضوع اثر
۴۶	ث: اسلوب اثر
۴۷	ج: خلاصۀ اثر
۵۵	۲. نسخه‌شناسی اثر
۵۵	الف: معرفی نسخه
۵۷	ب: بررسی نسخه‌ها
۵۹	پ: ویژگی‌های فنی

متن	۶۱
پیوست ها	۱۰۵
۱. زندگی، زمانه و مناصب حکیم اغلو علی پاشا.....	۱۰۵
۲. سال شمار روابط ایران و عثمانی.....	۱۱۳
۳. تحریر متن ترکی.....	۱۱۶
۴. تصویر نسخه خطی.....	۱۵۱
۵. اعلام.....	۱۹۱
Abstract	۲۰۰

مقدمه

با سقوط اصفهان و فروپاشی تدریجی حاکمیت صفویان، سرنوشت تیره‌وتاری برای ایران و ایرانیان رقم خورد. سال‌های پر آشوب و جنگ‌های پی‌پی و بی‌پایان ویژگی دوران بعد از سقوط صفویان است. به‌جز جنگ و نزاع‌های داخلی، یورش‌های خارجی نیز شیرازه کشور را از هم گسیخت. شهرها و آبادی‌های زیادی در جای‌جای ایران به صحنه جنگ، قتل و غارت و ویرانی تبدیل شد. پاره‌ای از شهرها و آبادی‌های غرب و شمال غرب کشور بارها بین سپاهیان ایران و عثمانی دست‌به‌دست شد. قوای عثمانی از سه جبهه جنوب غربی، غرب و شمال غربی تا عمق سرزمین‌های ایران پیشروی کردند و شهرهای حویزه، خرم‌آباد، همدان، نهاوند، کرمانشاه، سنندج، تبریز، ایروان، گنجه و... را به تصرف درآوردند. روس‌ها نیز در مناطق شمالی با پیشروی بخش‌هایی را به اشغال درآوردند. با ظهور نادر و هم‌پیمانان او امیدها زنده شد. طولی نکشید که طومار یاغیان افغان درهم پیچید. قدم بعدی بیرون راندن سپاهیان متجاوز از سرزمین‌های اشغالی بود. با یورش‌های نادر در مناطقی از جنوب غربی و غرب، شکست‌های سختی بر قوای عثمانی وارد شد. برخی شهرها نظیر تبریز آزاد شد. نادر مصمم به تداوم پیروزی‌ها بود، اما اخبار ناگوار در شرق به‌ویژه هرات، او و سپاهش را بدان سو کشید. فتوحات او در غرب کشور نیمه‌تمام ماند. در غیاب نادر، شاه‌طهماسب ثانی بعد از مشورت با برخی فرماندهان، سپاهی هجده‌هزار نفری تدارک دید و برای بازپس‌گیری ایروان راهی آن دیار شد. این لشکرکشی شش سال پس از آخرین رویارویی ایران و عثمانی در ایروان (۱۷۲۴/۱۱۳۷) که منجر به شکست قوای قزلباش شد، در ۱۷۳۱/۱۱۴۳ انجام گرفت. این بار نیز شکست قبلی تکرار شد. متعاقب آن، قوای عثمانی شهرها و مناطق متعدد از جمله شهرهایی که قبلاً از سوی نادر آزاد شده بود را دوباره اشغال کردند. ناکامی شاه‌طهماسب دوم در به‌دست آوردن پیروزی در نبرد ایروان، پیامدهای ناگوار نظامی

در پی داشت. گذشته از آن، از لحاظ سیاسی زمینه برای حذف وی از سلطنت و مقدمات برچیدن حاکمیت صفویان فراهم شد و نیز شرایط برای پادشاهی نادر هموار گردید. چنین رویداد تأثیرگذاری که خود زمینه‌ساز دیگر رویدادهای مهم نظامی و سیاسی شد، چنانکه باید هنوز مورد توجه جدی قرار نگرفته است. این کم‌توجهی تا حد زیادی به ضعف منابع داخلی برمی‌گردد. متأسفانه ما در این دوره از تاریخ ایران با کثرت و تنوع منابع، به‌ویژه در ربط با غرب و شمال غرب کشور، مواجه نیستیم. البته چند منبع مهم تاریخی در اختیار داریم، اما از اسناد و تئنگاری‌های اختصاصی خبری نیست. در مجموع، برای آگاهی از رویدادهای مناطق جنوب غربی، غرب و شمال غربی ایران در سال‌های بعد از سقوط صفویان باید به سراغ چهار دسته از منابع رفت: ایرانی، ارمنی، اروپایی و عثمانی.

الف: منابع ایرانی

از شاخص‌ترین منابع مربوط به دوره تاریخی مورد بحث، می‌توان به «عالم‌آرای نادری» اثر مروی و «جهانگشای نادری» اثر استرآبادی اشاره کرد. هر دو اثر با کمیت و کیفیت متفاوت به موضوع پرداخته‌اند. مروی در فصلی با عنوان «گفتار در ذکر حالات پادشاه صفوی علامات شاه‌طهماسب بن سلطان حسین [که] در مملکت عراق و آذربایجان به وقوع انجامیده»، هشت صفحه و نیم به موضوع اختصاص داده است. استرآبادی در ذیل عنوان «در بیان شاه‌طهماسب بر سر قلعه ایروان و بی‌نیل مرام بازگشتن از آنجا» در حد چهار صفحه به این واقعه پرداخته است. هر دو مورخ شاهد عینی واقعه نبوده و به روایت از دیگران نوشته‌اند. مروی در هنگام واقعه (۱۱۴۳) به عنوان کودکی ده‌ساله در خراسان می‌زیسته و اثر خود را بیست سال بعد از واقعه در ۱۱۶۳ نوشته است. وی با تصریح به اینکه «راوی ذکر می‌کند»،^۱ مخاطب را در جریان منبع خبری خود یعنی روای نامعلوم قرار می‌دهد. آیا راوی او خود در صحنه جنگ به عنوان شاهد عینی حضور داشته است؟ و یا اینکه خود راوی به نقل از دیگران روایت کرده است؟ برای سنجش صحت و سقم «روایت»، طرح چنین پرسش‌هایی ضروری است. به هر رو، مروی که زاده خراسان بوده به‌طور قطع به رویدادهای آن خطه تعلق خاطر داشته و لذا در تألیف تاریخ خود بیشتر نظر به شرق ایران داشته است. چنانکه گفته شده «مهمترین امتیاز عالم‌آرا ثبت وقایع شرق ایران است».^۲ باین حال، ما باید ممنون مروی باشیم که بیشتر از دیگر مورخان ایرانی به این موضوع

۱. عالم‌آرای نادری، ج ۱، ص ۲۱۵.

۲. همان، مقدمه مصحح، ص. سی و سه.

پرداخته است. از لحاظ کمیت خبر، فضل تقدم با اوست، اما از لحاظ کیفیت بنا به دلایلی که آوردیم، مروی نتوانسته ما را در جریان لشکرکشی شاه طهماسب ثانی از هنگام عبور از ارس به سوی ایروان و جنگ‌هایی که در آنجا انجام شده و نیز چگونگی پذیرش شکست و عقب‌نشینی قرار دهد. وی به نام و نقش فرماندهان اصلی سپاه ایران و نیز به روز و ماه وقوع حوادث مهم در اثنای لشکرکشی اشاره نمی‌کند. درجایی می‌نویسد: «روزی دیگر [کدام روز؟] در سر زدن خورشید خاوری بر این چرخ نیلوفری، پادشاه کامیاب با امرای چون افراسیاب [کدام امرا؟] در حرکت درآمده به دور و نواحی آن قلعه درآمده»؛^۱ محض نمونه باز می‌نویسد: «و آن روز تا غروب آفتاب جهانسوز آن دو دریای لشکر در مجادله کوشیده در غروب آفتاب و تیرگی آن ظلمت نقاب، آن دو سپاه کینه‌خواه روی به آرامگاه خواب نهاده»؛^۲ مروی در این عبارت نیز به «روزی» اشاره دارد که معلوم نیست چه روزی است؟ در روایت او چگونگی آغاز، روند و انجام نبرد دو سپاه ایران و عثمانی به درستی روشن نیست. همچنین آنچه در این باره در متن و حاشیه آمده همخوانی ندارد.^۳ مواردی از این دست نشانگر ضعف بارز منابع فارسی در به تصویر کشیدن یک رویداد مهم و تأثیرگذار است. طبیعی است اگر لشکرنویسی در رکاب شاه طهماسب دوم حضور داشت و موظف به ثبت و ضبط رویدادها می‌شد، ما امروز روایتی دست‌اول از نویسنده‌ای حاضر در صحنه نبرد در اختیار داشتیم، نظیر آنچه کاتب و منشی عثمانی، عبدالرزاق افندی، در اختیار گذاشته است. اما چون چنین نیست، ناچار باید به روایتی ناپیوسته و نابسند به نقل از راوی مروی بسنده کنیم.

مورخ دیگر، استرآبادی، اگرچه کوتاه‌تر از مروی به موضوع پرداخته، اما به صورت گذرا به نکاتی اشاره دارد که با آنچه در صحنه نبرد گذشته انطباق بیشتری دارد. بنابراین تصویر او از رویداد اگرچه کامل و همه‌جانبه نیست، اما گوشه‌هایی از واقعیت را بیان داشته است. از جمله با بیان اینکه «رومیه تاب صدمه فوج منصور را نیاورده، مغلوب و توپخانه و اردوی خود را برجا گذاشته»، به پیروزی سپاه قزلباش در نخستین برخورد اشاره کرده و سپس به غرور بی‌جا و عدم رعایت اصول و ضوابط جنگ از سوی سپاه قزلباش به درستی اشاره کرده می‌نویسد: «قزلباشیه چون توسن جلادشان سرکش و نعل بادپیمای غرورشان در آتش بود زمان خودداری را از دست داده، بدون ضابطه و ترتیب بی‌محابا و درنگ، مرکب به معرکه جنگ رانده، تا پای قلعه جلو باز نکشیدند. رومیه نیز با توپ و تفنگ از بالای حصار و پایین

۱. عالم آرای نادری، ج ۱، ص ۲۱۰.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۱۱.

۳. همان، ج ۱، ص ۲۱۵.

قلعه از در ستیز درآمده قزلباشیه را عنان پایداری از دست، و پای قرار از جا رفته روی برتافتند و به جانب اردوی خود شتافتند.^۱ «استرآبادی بلافاصله بعد از بیان شکست و علت آن، اشاره به این دارد که قوای قزلباش به ناچار هیجده روز در اردو زمین گیر شده به دلیل کمبود آذوقه ناچار از عقب نشینی شدند. می نویسد: «هیجده روز آن مکان مقر کوبه شاهی گشته، چون راه آذوقه مسدود بود، غله به انحطاط و غلا به ارتفاع روی آورد، [حضرت شاهی] دیگر در آن مکان مکث و توقف را مقرون به صلاح ندیده حرکت و از راه دوقوز یولوم از ارس گذشته از راه خوی و سلماس وارد تبریز شدند.»^۲

استرآبادی ناکامی سپاه قزلباش را ناشی از بی تدبیری و عدم محاسبه سازوکار لازم در جنگ دانسته است. او تنها یک طرف صحنه نبرد را به طور ناقص به تصویر کشیده است. اینکه جبهه مقابل چه تدابیری اندیشیده و در عمل پیاده کرده تا پیروز میدان شده در روایت او دیده نمی شود. در حالی که عبدالرزاق افندی به عنوان شاهد عینی، تصویری دقیق از هر دو سوی جبهه نبرد در اختیار گذاشته است. استرآبادی در اثر دیگر خود، درّه نادره، در فصلی با عنوان «در بیان توجه حضرت شاه طهماسب به جانب ایروان و رجعت اختر اقبالش از آن سیر» مطالب پیشگفته در جهانگشا را به کوتاهی با نثری مصنوع و متکلف بیان کرده است.^۳ مستوفی مورخ دیگری است که در هنگام محاصره اصفهان در آنجا حضور داشته، بعدها به خدمت نادر و فرزندش رضاقلی میرزا درآمده و درست هشت سال بعد از واقعه ایروان یعنی در ۱۱۵۱ قمری اقدام به نوشتن اثر خود کرده است. مستوفی با وجود نزدیکی زمانی به رویداد، تصویری متناقض از ماجرا به دست داده است. او در گزارش کوتاه خود می نویسد:

«نواب کامیاب اشرف نیز تدارک دیده از اصفهان حرکت فرموده روانه آذربایجان گردید. [با] توپخانه و تدارک و استعداد تمام بر سر قلعه ایروان که رومی تصرف نموده بود رفته، در حوالی اوچ کلیسا تلاقی فریقین شده محاربات عظیمه نموده رومیه را شکست داده بسیاری از رومیه به قتل رسیده، اسیر و توپخانه و اسباب بسیار از آن جماعت نابکار گرفته مراجعت به اصفهان نموده بقیه السیف رومیه فرار بر قرار اختیار کرده»^۴

مستوفی در این گزارش کوتاه، راست و دروغ را درهم آمیخته است. اینکه می گوید شاه طهماسب با تدارک تمام، راهی سفر جنگی شد سخنی است نادرست و نیز اینکه «رومیه را شکست داده [...] مراجعت به اصفهان نمود» با واقعیت امر همخوانی ندارد.

۱. جهانگشای نادری، ص ۱۷۰ و ۱۷۱.

۲. جهانگشای نادری، ص ۱۷۱.

۳. درّه نادره، ص ۲۹۰-۲۹۱.

۴. زبدة التواریخ، ص ۱۵۶.

شاه‌طهماسب با پیروزی صحنه نبرد را ترک نکرد، بلکه در رسیدن به هدف ناکام ماند و با قبول شکست، ایروان را به‌سوی تبریز ترک کرد.

مرعشی صفوی دیگر مورخ دوره سقوط اصفهان است که از استرآبادی به دلیل پرداختن به حوادث زمان تمجید می‌کند، اما خود او چنین روشی در پیش نمی‌گیرد، حتی به رویداد مورد بحث ورود نکرده و در گزارش وقایع سال ۱۱۴۴ تنها در جمله‌ای به مصاف شاه‌طهماسب با رومیه در همدان اشاره کرده است.^۱ اقبال به‌درستی ضعف مرعشی در نحوه بیان وقایع را بیان کرده است. از دید او «مجمع‌التواریخ در بیان وقایع از جهت تفصیل و اجمال بسیار ناهموار و نامتناسب است.»^۲

نویسنده مرآت واردات در فصلی که به ذکر احوال شاه‌طهماسب ثانی پرداخته به‌صورت گذرا به مصاف شاه‌طهماسب با رومیان اشاره کرده است. گفتار او که نزدیک‌ترین گزارش به زمان وقوع حادثه است، حاوی چند نکته مهم و نیز چند اشتباه بارز است. ظاهراً نویسنده با اتکا به حافظه و نه بر اساس یادداشت‌ها به ذکر خاطرات خود پرداخته است. به همین دلیل، اثر پدید آمده فاقد نظم زمانی و رویدادشمارانه است. رعایت نظم زمانی در گزارش‌های تاریخی امری بایسته و ضروری است. چشم‌پوشی از این اصل موجب به هم ریختن ترتیب زمانی وقایع می‌گردد. نویسنده چون به این اصول بدیهی بی‌توجه بوده، در بیان وقایع اغلب یا تاریخ رویدادها را ذکر نکرده و یا به اشتباه ذکر کرده است.^۳ این اشتباه تا جایی است که تاریخ پایان کتاب ۲۷ شعبان ۱۱۴۲ ذکر شده،^۴ در حالی گزارش نبرد شاه‌طهماسب با رومیان مربوط به اواسط سال ۱۱۴۳ قمری است. خطای دیگر نویسنده این است که جنگ ایران و عثمانی در ایروان را پیش از فتح اصفهان (۱۱۴۲) گزارش کرده است، درحالی‌که این رویداد یک سال بعد در ۱۱۴۳ رقم خورد. در اثر طهرانی اشتباهاتی از این دست کم نیست. ظاهراً او به تقدم و تأخر رویدادها و تأثیر و تأثر رویدادها در هم توجهی نداشته است. و اما اصل گزارش طهرانی از جنگ شاه‌طهماسب با رومیان به قلم او:

«پادشاه مؤید من عندالله [...] شمشیر دشمن‌کش را به‌زور بازوی حیدری در قبضه خویش مستحکم گرفته علم قتال و کوس جدال رومیان را نخست آسمان پیوند [؟] و رعد

۱. مجمع‌التواریخ، ص ۸۱.

۲. همان، مقدمه مصحح، صفحه «ب».

۳. مصحح مرآت واردات در چند جا به اشتباه بودن تاریخ‌های ذکر شده از سوی نویسنده اشاره کرده است. نک: ص ۱۹۲، ۲۶۲. شعبانی نیز در مقدمه تاریخ نادرشاهی به این نکته اشاره کرده است، نک: صفحه بیست و دو.

۴. مرآت واردات، مقدمه مصحح، ص ۳۲.

خروش گردانید. چنانچه در مدت سه سال، نه جنگ محشر آهنگ در دارالسلطنه تبریز و بلده ایروان و شروان و شماخی معرکه آرای عرصه اظهار گردید، و از آن جمله در شش قتال قیامت منوال، ظفر و نصرت نصیب اولیای دولت طهماسبی گشت و هزیمت قاید طرایق افواج روم، لیکن در سه حرب کوه ضرب آخر قزلباش هم عنان شکست قدم از معرکه جدال واپس گذاشت.^۱

نویسنده در این فقره به زمان وقوع جنگ‌ها اشاره نکرده، ولی از اشاره او به مکان رویدادها به‌ویژه «ایروان» می‌توان یقین داشت که روایت مربوط به جنگ سال ۱۱۴۳ ایران و عثمانی بر سر ایروان است. همچنین وی طول مدت نبرد را «سه سال» نوشته که به‌طور قطع اشتباه است. با اندکی تسامح سه ماه درست است. طهرانی در ادامه گزارش خود می‌نویسد:

«از وقوع این اتفاقات، ارکان دولت طهماسبی متفق برین مصلحت صواب‌اندیش گردیدند که الحال در مقابل رومیان پابرجا بودن سر به باد فنا دادن است. درین صورت هیچ وجهی بهتر از نقل مکان، که در حرکت برکت واقع شده نمی‌نماید. بعد از آن، قرعه مشورت در میان هم بر حصول مدعا افکندند که آخر کار تمامی حضار رکاب دولت انتساب اقبال مآب، متفق بر عزیمت عراق گردیدند که نخست در بلاد مذکور جمعیت شایسته به دست آورده قدم به صوب صفاهان جهت انتقام سرگذشت سابق در زمان حال باید گذاشت و هنگامی که از استیصال افغانه و تسخیر ممالک موروثی فراغت رو نماید علاج انهدام بنای تسلط و ابهت رومی به یک موج خیز سیلاب دم تیغ ملازمان این آستان دست به هم می‌دهد.^۲»

در این گزارش به‌صراحت به بی‌فایده بودن مقاومت در برابر رومیان و ضرورت پاپس کشیدن از صحنه نبرد اشاره شده است. این اشارات همگی مربوط به رویارویی دو سپاه ایران و عثمانی در ایروان است. جنگی که مراحل اول آن با پیروزی و مراحل بعد آن با توقف و ناکامی مواجه شد.

طهرانی در اثر دیگر خود نیز در نهایت اختصار به موضوع لشکرکشی شاه طهماسب اشاره کرده است. با این تفاوت که می‌گوید شاه به تیت تسخیر بغداد از اصفهان حرکت کرد. وی در ادامه به‌جای ایروان به «شروان» و چند منطقه دیگر در قفقاز اشاره کرده و در نهایت با مطالب ضدونقیض از شکست و عقب‌نشینی شاه یاد کرده است.^۳

به‌جز منابع مورد اشاره، یکی دو اثر دیگر از دوران سقوط صفویان سراغ داریم که در

۲. همان.

۱. مرآت واردات، ص ۱۷۳.

۳. تاریخ نادرشاهی، ص ۳۳-۳۴.

آن‌ها نیز به موضوع حاضر اشاره نشده است. از جمله بدایع الأخبار که صرفاً به وقایع بهبهان در زمان حمله محمود افغان پرداخته است. همچنین فوائدالصفویه که به وقایع غرب و شمال غرب کشور توجهی نشان نداده است. نویسنده گمنام مکافات‌نامه نیز تنها به وقایع سال‌های ۱۱۳۷ تا ۱۱۳۹ پرداخته است. یادداشت‌های کوتاه احمد غلام درباره سقوط اصفهان به فاصله زمانی ۱۱۳۵ تا ۱۱۴۲ مربوط است.^۱ رستم‌الحکما به عنوان نویسنده متأخر از حمله قزلباشان به جانب روم غفلت نکرده و در گزارشی کوتاه خود به یکی دو نکته اشاره کرده است. نکته‌ای که درباره علت شکست گفته در منابع دیگر نیست. می‌گوید: «چون شهنشاه جمجاه به جانب سرعسر روم آهنگ نمود و کمال جدوجهد و سعی و اهتمام در دفع نمودن دشمن نمود، نظر به آنکه لشکر تهی دست و ناآراسته و بی اسباب و گرسنه بودند و امید به احسان و انعام پادشاهی نداشتند، در محاربه کوتاهی نمودند و چاره دشمن نتوانستند نمود.»^۲

منابع یادشده، تقریباً مجموع داشته‌های ما به زبان فارسی درباره جنگ‌های ایران و عثمانی در ۱۱۴۳ قمری است.

ب: منابع ارمنی

برای آگاهی از دوران سقوط صفویان منابع ارمنی هم دارای اهمیت است. البته هر یک از آن‌ها تنها بخشی از دوران سقوط را در اختیار می‌گذارند. برای مثال پطروس گیلانتز که در هنگام حمله محمود افغان در رشت بوده در گزارش‌های خود اخبار مربوط به سقوط اصفهان در سال ۱۱۳۵/۱۷۲۲ (تا اول سپتامبر سال بعد) را ثبت و ضبط کرده است.^۳

آبراهام ایروانی در اثر مهم خود، تاریخ جنگ‌ها،^۴ در ۲۲ فصل اقدام به ثبت گزارش‌های مربوط به نبرد ایران و عثمانی در فاصله سال‌های ۱۱۳۳/۱۷۲۱ تا ۱۱۵۱/۱۷۳۸ کرده است. فصل چهاردهم اثر مربوط به جنگ‌های شاه‌طهماسب ثانی با عثمانی است. گزارش نویسنده منسجم نیست. حاوی اطلاعات پراکنده و گاه نادرست است. در چند سطر به موضوع پرداخته است. می‌نویسد:

«نادر از خراسان به شاه‌طهماسب نامه نوشت و از او خواست تا به عثمانی‌ها حمله نکند، بلکه منتظر رسیدن او باشد زیرا نادر از ترسویی شاه آگاه بود. شاه به نصیحت نادر اعتنایی

۱. نک: بدایع الأخبار، پیوست ۱، ص ۸۷-۹۰. ۲. رستم‌التواریخ، ص ۱۹۹.

۳. پطرس دی سرکیس گیلانتز، سقوط اصفهان: گزارش‌های گیلانتز درباره حمله افغانان و سقوط اصفهان، ترجمه محمد مهریار، امور فرهنگی شهرداری اصفهان، اصفهان ۱۳۷۱.

4. Abraham of Erevan's History of the Wars.

نکرد، بدون تأخیر حرکت نمود و درجایی به نام تپه قرمز اردو زد. به محض اینکه عثمانی‌ها در میدان نبرد ظاهر شدند، شاه به نیروهایش اجازه نداد که استراحت کنند، بلکه بی‌درنگ به عثمانی‌ها حمله نمود. دو سپاه درگیر شدند و میدان با خون قربانیان جنگ پوشیده شد. شاه‌طهماسب فرار کرد و او ۳۸۰۰۰ نفر را از دست داد. عثمانی‌ها ایرانیان را شکست دادند. [شاه‌طهماسب] با دریافت اینکه حتی با نیروهای بیشتر موفق به شکست عثمانی‌ها نشده بود، به اصفهان گریخت.^۱

از سیاق گزارش پیداست نویسنده بر مبنای منابع شفاهی رویداد را گزارش کرده است. گزارش او بسیار کوتاه است. علاوه بر آن، دچار آشفتگی است. زمان و مکان دقیق رویداد به درستی روشن نیست. در بیان تعداد کشته‌های سپاه ایران بسیار مبالغه کرده است. در مجموع گزارش او هیچ نکته تازه‌ای ندارد.

نویسنده دیگر ارمنی، آبراهام کرتی، خلیفه (جانلیق) کلیسای اچمیادزین (اوج کلیسا) است. وی به دعوت نادر در مجمع دشت مغان حضور یافت و در وقایع‌نامه خود که دارای ۵۳ فصل است، به وقایع سال‌های ۱۱۴۷/۱۷۳۴ تا ۱۱۴۹/۱۷۳۶ پرداخت.^۲ گزارش او بیشتر معطوف به برگزاری مراسم تاج‌گذاری نادر است. باینکه نویسنده تنها سه سال بعد از جنگ ایران و عثمانی در ایروان (۱۱۴۳ ق.) به گزارش وقایع پرداخته، حتی در مقدمه اثر خود از اشاره به این موضوع مهم غفلت کرده است.

آرتین طنابوری نویسنده دیگر ارمنی است که در سال‌های ۱۱۵۰ تا ۱۱۵۱ در رکاب نادرشاه در لشکرکشی به هند همراه او بوده و بعد از بازگشت به استانبول سفرنامه‌ای به زبان ترکی، اما به خط ارمنی نوشته است. این اثر در سال ۱۸۰۰ م. به همان خط ارمنی چاپ شده و بعدها در ۱۹۱۴ به فرانسه ترجمه و منتشر شده است.^۳ اثر او هفت سال بعد از جنگ ایران و عثمانی در ایروان به رشته تحریر درآمده است. سفرنامه آرتین به جز قسمت‌هایی که مشهودات نویسنده است، بقیه روایتی از شنیده‌های اوست. می‌نویسد:

«طهماسب‌قلی اطمینان یافت و برای نجات خراسان از دست افغانان رفت و از این طرف شاه‌طهماسب لشکر به جنگ عثمانی کشید و شکست خورد و آن را «شکست شاه» می‌نامند. در آن شکست، شاه‌طهماسب به هنگام گریز از اسب فروافتاد و در راه ماند و

۱. تاریخ جنگ‌ها، ص ۱۱۵.

۲. قسمت‌هایی از وقایع‌نامه آبراهام کرتی از سوی عبدالحسین سپنتا ترجمه و منتشر شده است. ترجمه متن کامل آن از سوی انتشارات طهوری در ۱۳۹۶. منتشر شده است.

۳. سفارت‌نامه‌های ایران، ص ۱۰۱-۱۰۲.

یکی از سپاهیان عثمانی خواست او را با گلوله بزنند. احمدپاشا، والی بغداد، بانگ زد: دست بردار، خنزیر، او شاه است! چه حق داری به طرف او تیراندازی کنی؟ آنگاه قزلباش‌ها به زحمت اسبی برای شاه رسانیدند. این جریان را در اصفهان قزلباش‌ها برای من تعریف کردند و گفتند در آن شکست آبروریزی شد.^۱

منابع ارمنی موجود نیز همین هاست که اشاره کردیم. بنابراین، از خلال منابع ارمنی نیز نمی‌توان به تصویری درست و روشن از رویداد مورد بحث دست یافت.

ج: منابع اروپایی

جونس هنوی بازرگان انگلیسی است که برای ایجاد روابط تجاری با ایران از طریق مسکو به ایران سفر کرد. وی در استرآباد نادرشاه را از نزدیک دید، اما امکان گفتگو با او را نیافت. وی در کتاب «هجوم افغان و زوال دولت صفوی» به تفصیل به رویدادهای ایران بعد از حمله افغان به اصفهان تا فرار اشرف از اصفهان به شیراز در رجب ۱۱۴۳ پرداخته و لذا اثر او تا یک سال پیش از حمله شاه طهماسب به ایروان پایان می‌یابد.

کروسینسکی، کشیش لهستانی، که در ایام سقوط اصفهان در ایران بود، خاطرات و یادداشت‌های خود را به رشته تحریر درآورد. وی بعد از خارج شدن از ایران وارد قسطنطنیه شد (جمادی‌الاول ۱۱۳۸/ژانویه ۱۷۲۶) و بعد راهی لهستان گردید. یکی از هم‌وطنان او به نام کشیش دوسرسو خاطرات او را به دست آورد و با تغییرات زیادی در ۱۷۲۸/۱۱۴۰ در پاریس به زبان فرانسوی منتشر کرد. این اثر پنج سال بعد به انگلیسی ترجمه و منتشر شد. خاطرات و یادداشت‌های کروسینسکی در ۱۱۳۷/۱۷۲۵ پایان می‌یافت، اما دوسرسو و مترجم انگلیسی با استناد به اخباری که از رویدادهای ایران دریافت می‌کردند، اقدام به تکمیل خاطرات مزبور کرده و روند وقایع را تا ۱۷۲۳/۱۱۴۴ ادامه دادند. آنچه در قسمت‌های پایانی اثر کروسینسکی زیر عنوان «جنگ‌های شاه طهماسب دوم با عثمانی‌ها» آمده است با مطالبی که از قول دوسرسو در گزارش کارملیت‌ها آمده و ما در ادامه آن را آورده‌ایم، تقریباً یکی است.^۲

کشیش دوسرسو در «تاریخ انقلابات اخیر» (۱۱۵۲/۱۷۴۰) به نقل رویدادها تا سال ۱۱۵۱/۱۷۳۹ می‌پردازد. کشیش مزبور در ذیل وقایع ۱۱۴۳/۱۷۳۰ می‌نویسد: «بعد از آنکه طهماسب [دوم] صوفی تبریز را محاصره کرد و بعد از دریافت این خبر که لشکری بزرگ از

۲. سفرنامه کروسینسکی، ص ۳۳۴-۳۳۵.

۱. همان، ص ۱۵۱-۱۵۲.

ترکان برای رهایی آن در حرکتند، در مکان مناسبی مستقر شد و با چنان شجاعتی حمله برد که پیروزی کاملی به دست آورد. ...»^۱ این گزارش با واقعیت همخوانی ندارد. کماینکه نویسنده در ادامه می‌گوید: «مطلب مذکور مغایر با شرح کشیش لئاندر است.» شاید منظور نویسنده طهماسب‌قلی بوده و نه شاه‌طهماسب، زیرا کسی که در تبریز بر ترکان پیروز شد، طهماسب‌قلی‌خان (نادر) بود. اما اطلاعاتی که کشیش دوسرسو در ضمیمه اثر خود آورده، گزارشی است نامنسجم همراه با برخی راستی و ناراستی‌ها. می‌نویسد:

«در ۱۷۳۱م. پادشاه صفوی، که گفته می‌شد لشکر او به ۱۴۰ هزار نفر افزایش یافته است، ایروان را محاصره کرد و این خبر را دریافت نمود که پنجاه هزار نفر از ترک‌ها ... تا ۶۰ مایلی آن محل به منظور شکستن محاصره پیشروی کرده‌اند. او نیرویی کافی برای ادامه محاصره باقی گذاشت و با بقیه افراد برای مقابله با ارتش عثمانی حرکت کرد و با چنان شدتی به آن‌ها حمله کرد ... ترک‌ها ... مجبور شدند عقب‌نشینی کنند ... شانزده هزار نفر از آن‌ها در محل کشته شدند و علاوه بر آن ۲۰ عراده توپ و همه بارونه آن‌ها را به دست آورد. نبرد تا شب ادامه یافت ... اما ایرانیان دو هزار نفر اسیر گرفتند. پس از این عمل شاه‌طهماسب به لشکریان خود در مقابل ایروان ملحق شد و به حاکم دستور داد که تسلیم شود ... اما تقریباً در همین زمان نبردی خونین بین ترک‌ها و ایرانیان در نزدیکی همدان درگرفت که در آن تعداد زیادی از افراد از هر دو طرف به خاک هلاکت افتادند و ترکان در این نبرد به پیروزی دست یافتند. این امر شاه‌طهماسب را بر آن داشت که تقاضای صلح کند و در ضمن متارکه جنگ را پیشنهاد کرد که مورد موافقت قرار گرفت.»^۲

جدی‌ترین اشکال گزارش دوسرسو این است که او رویدادهای مختلف را درهم آمیخته و لذا لشکرکشی شاه به ایروان را با جنگ‌های غرب کشور درهم تنیده و لذا روایتی مغشوش ارائه کرده است.

سه دسته منابعی که در اینجا از آن‌ها یاد کردیم، همگی در عدم ارائه تصویری دقیق و درست از جنگ‌های ایران و عثمانی در ایروان (۱۱۴۳ق.) دارای وجه اشتراک‌اند. هرچند منابع ایرانی در قیاس با منابع ارمنی و اروپایی اطلاعات بیشتری در اختیار می‌گذارند، اما همان منابع نیز عمدتاً بر مبنای منابع شفاهی نوشته شده‌اند. بنابراین، نه نویسندگان آن‌ها از نزدیک شاهد رویداد بوده‌اند و نه برای نوشتن به تحقیق و جستجو پرداخته‌اند. از اسناد و نوشته‌های دولتی هم خبری نبوده تا به استناد آن‌ها به گزارش رویداد پردازند. به این دلایل،

برای آگاهی از وقایع جنوب غرب، غرب و شمال غربی ایران در دوران سقوط صفویان، با منابع موجود نمی‌توان به تصویری درست از آنچه روی داده دست یافت. خوشبختانه این ضعف بزرگ به کمک منابع عثمانی تا حد زیادی قابل جبران است. این نکته‌ای است که مرحوم ریاحی سال‌ها قبل در مقدمه عالم‌آرای نادری به آن اشاره کرده است. وی می‌نویسد:

«از اینکه روایات محمدکاظم درباره جنگ‌های عثمانی‌ها ضعیف است غمی نیست، زیرا درباره غرب کشور صدها سند بازمانده از عثمانی‌ها در بایگانی استانبول و چندین رساله حاوی گزارش دقیق جنگ‌ها و جزئیات مذاکرات صلح به قلم مأموران و سفیران عثمانی در دست است، نظیر: تبریزیه حکیم اوغلو علی‌پاشا از عبدالرزاق نورس، تدبیرات پسندیده نعمان صالح‌زاده، مقاله محاصره قارص، تحقیق و توفیق از محمد راغب‌پاشا، و فتحنامه ۱۱۳۶ ایروان، از سلحشور کمانکش مصطفی آقا، چاپ پروفیسور منیر آک‌تپه که برگردانیدن آن‌ها به فارسی لازم است.»^۱

د: منابع عثمانی

منابع مورد اشاره عثمانی به سه دسته تقسیم می‌شود: اسناد، تاریخ‌های عمومی و تک‌نگاری‌های اختصاصی.

با توجه به هم‌زمانی دوره سقوط صفویان با یکی از دوره‌های مهم تاریخ عثمانی - دوره لاله و قیام پاترونا خلیل - رویدادهای این دوره از تاریخ عثمانی به صورت بسیار گسترده و دقیق در اسناد دولتی باقی مانده است. بخش‌هایی از اسناد مذکور که در بایگانی نخست‌وزیری (باش باکانلیک آرشیوی) نگهداری می‌شود در برخی از پژوهش‌های جدید محققان ترکیه به تفصیل مورد استفاده قرار گرفته است. برای نمونه نویسندگان سه پایان‌نامه دکتر که هر سه روابط ایران و عثمانی در دوره نادرشاه را موضوع پژوهش خود قرار داده‌اند، از اسناد و منابع دست‌اول عثمانی به فراوانی بهره برده‌اند. ایلکر کولبلگه در پایان‌نامه خود با عنوان «روابط ایران و عثمانی در نیمه نخست سده دوازدهم»^۲ در فصل‌های مربوط به لشکرکشی‌های عثمانی از سه جبهه به مرزهای ایران،^۳ رائف ایوجان در بخش نخست تری با

۱. عالم‌آرای نادری، ص. سی و یک، منابع مذکور از سوی نگارنده یا به فارسی ترجمه شده و یا در مجله گزارش میراث معرفی شده‌اند.

2. İlker Külbilge, 18. Yüzyılın İlk Yarısında Osmanlı-ran Siyasi İlişkileri (1703-1747), Doktora Tezi, İzmir-2010.

۳. همان، ص ۱۴۲-۱۸۲.

عنوان «ایروان در حاکمیت عثمانی ۱۷۴۶-۱۷۲۴»،^۱ و عبدالرحمن آتش نیز در فصل دوم از بخش نخست تزی با عنوان «نادرشاه افشار و مجادلات ایران و عثمانی»^۲ به لشکرکشی شاه طهماسب به ایروان و نتایج آن پرداخته‌اند. آلپر یلدریم نیز در قسمتی از فصل دوم پایان نامه‌ای با عنوان «روابط ایران و عثمانی در دوره محمود اول»^۳ به موضوع مزبور پرداخته است. در بین اسناد متنوع موجود در آرشیو عثمانی، «دفاتر مهمه» (دفاتر حاوی احکام و فرمان‌های صادره در دیوان همایون عثمانی) دارای اهمیت خاصی است. یکی از این دفاتر که در سال‌های اخیر تصحیح و منتشر شده، دفتر مهمه مربوط به جنگ عثمانی با ایران است. برای آگاهی از جنگ بین نادرشاه و عبدالله پاشا کوپرولی‌زاده، (جنگ مراد تپه در محرم ۱۱۴۸)، این دفتر اهمیت بسیار زیادی دارد.^۴

دسته دوم تاریخ‌های عمومی عثمانی است. از نمونه‌های بارز این دسته منابع می‌توان به «تاریخ چلبی‌زاده» اثر اسماعیل عاصم افندی چلبی‌زاده اشاره کرد. منصوری در فصلی از اثر خود با عنوان «زوال دولت صفویه و حمله عثمانیان به آذربایجان» از این منبع استفاده زیادی کرده است.^۵ یکی دیگر از منابع عمومی این دوره «تاریخ سامی» اثر آرپه امینی‌زاده مصطفی سامی (وفات: ۱۱۴۶) است.^۶ این اثر با «اجمال حال ایران» و «ظهور طائفه افغان و انقلابات ایران» آغاز می‌شود. نویسنده در قسمت‌های مختلف کتاب نیز گزارش‌هایی از لشکرکشی‌های عثمانی به قلمرو ایران و نیز رفت‌وآمد سفرای ایران به استانبول ارائه می‌کند.^۷ می‌کند. ارزش کتاب به این است که نویسنده همانند چلبی‌زاده صرفاً وقایع هم‌عصر خود را به رشته تحریر درآورده است. سامی در فصلی از اثر خود به موضوع «حبس و توقیف ایلچیان عجم» و بعد وقایعی که منجر به لشکرکشی شاه طهماسب ثانی به ایروان شد

۱. Raif İvecan, *Osmanlı Hakimiyetinde Revan (1724-1746)*, Doktora Tezi, İstanbul-2007.

۲. Abdurrahman Ateş, *Ayşarlı Nadir Şah ve Döneminde Osmanlı-İran Mücadeleleri*, Doktora Tezi, Isparta-2001.

۳. Alper Yıldırım, *I. Mahmud Devri Osmanlı-İran İlişkileri*, Yüksek Lisans Tezi, Eskişehir, 2017.

۴. این اثر از سوی کمال ارکان تصحیح و منتشر شده است (نک: منابع)، فخری پایان‌نامه خود را بر اساس این دفتر مهمه نوشته و در مقاله مستقلی به تحلیل صوری و محتوایی این دفتر پرداخته و نیز یکی از احکام آن را ترجمه و مضمون دوازده حکم از ۲۱۶ حکم موجود در آن را با منابع ایرانی و عثمانی بررسی و مقایسه کرده است. برای مشخصات مقاله، نک: منابع.

۵. فیروز منصوری، مطالعاتی درباره تاریخ، زبان و فرهنگ آذربایجان، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، تهران ۱۳۷۹، ص ۱۳۳-۱۴۲.

۶. Aynur Kardayı, *Osmanlı Tarih Yazıcılığının Gölgede Kalmış Bir Eser "Tarih-i Sâmi"* (Metin Transkripsiyonu), Aydın -2008.

۷. همان، نگاه کنید به: صص ۴-۶، ۱۳، ۲۴، ۲۸، ۳۳، ۳۶-۳۷، ۳۹، ۴۱، ۶۱، ۹۶، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۷۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۲۰۴، ۲۰۹، ۲۱۴، ۲۱۷، ۲۲۱، ۲۲۸.

پرداخته و نکات تازه‌ای بیان کرده است. از جمله می‌گوید: اعزام ایلچیان از سوی شاه ایران برای تبریک جلوس سلطان محمود خدعه و فریب برای غافلگیر کردن دولت عثمانی بوده است. بنابراین، رفتار «شاه شیطان سپاه عجم» مصداق این ضرب‌المثل است که: «روی اسلام نماید دل کافر دارد.»^۱ در ادامه به چگونگی مقابله علی‌پاشا با بیش از «سی هزار لشکر ظفرپیکار» با «اعدای لعیم عجم» پرداخته است.^۲

دسته سوم از منابع عثمانی تک‌نگاری‌های اختصاصی است که دارای گونه‌های مختلفی است. از جمله مناقب‌نامه، فتح‌نامه، غزنامه، غزوات‌نامه، ظفرنامه، منزل‌نامه و...^۳

تک‌نگاری‌ها بیشتر در پیوند با یک شخصیت یا یک رویداد خاص برای مثال لشکرکشی به یک منطقه مشخص به رشته تحریر درآمده‌اند. از جمله در پیوند با یورش‌های عثمانی به قلمرو ایران در طی سده‌های مختلف تک‌نگاری‌های متعددی باقی‌مانده است.^۴ برای نمونه «وقایع پیرصنایع بدایع» اثر نویسنده‌ای به نام «نادر» که مربوط به تصرف کرمانشاه و همدان در ۱۱۳۶ق. و ۱۱۳۷ق. است^۵ و یا «فتحنامه ایروان» اثر سلحشور کمانی مصطفی‌آغا که مربوط به رویارویی ایران و عثمانی در ایروان در ۱۱۳۷ق. است^۶ و نیز «مقاله واقعه محاصره محاصره قارص فی سنه ۱۱۵۷» اثر کاتب دیوان همایون، سَرّی افندی، که محاصره قارص از سوی نادرشاه را روایت کرده است.^۷ همچنین «رساله»‌ای از عثمان صاف (قارصلی ابن هاجرزاده) که دوازده روز بعد از پایان محاصره قارص به رشته تحریر درآمده است.^۸ و نیز

۱. تاریخ سامی، ص ۱۷۹. این اثر به عنوان پایان‌نامه تصحیح شده و pdf آن در اینترنت قابل دسترس است. برای مشخصات آن نک: فهرست منابع.

۲. همان، ص ۱۸۰.

۳. درباره تعریف و تفاوت این گونه‌های تک‌نگاری نک: تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی، ۴۰۸-۴۰۹.

۴. محض نمونه روزنامه سفر سلطان مراد چهارم به ایروان و تبریز و نیز منزل نامه بغداد که هر دو از سوی نگارنده ترجمه و منتشر شده است. همچنین مواردی از این دست از سوی نگارنده در رشته مقاله‌های «ایران در متون و منابع عثمانی» که در مجله گزارش میراث به چاپ می‌رسد، منتشر شده است.

۵. نویسنده همراه سرعسکر عثمانی، احمد پاشا، در تصرف کرمانشاه در ۱۱۳۶ و همدان و لرستان در ۱۱۳۷ حضور داشته و وقایع مربوط به لشکرکشی‌های سه ساله عثمانی به قلمرو ایران را از نزدیک دیده و ثبت کرده است. این اثر مختصر به عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد در دانشگاه مرمره استانبول تصحیح شده است. نک: فهرست منابع.

۶. برای آگاهی از ارزش فتحنامه‌ها و غزوات‌نامه‌های عثمانی، نک: تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی، ترجمه و تدوین، نصرالله صالحی، پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۲، فصل مربوط به فتحنامه‌ها.

۷. نسخه‌های متعددی از این اثر موجود است. نک: فخرالدین کرزی اوغلو، ص ۱۹. این اثر محمد یاشار ارتاش با نام «رساله تاریخی نادرشاه» منتشر شده است، نک: فهرست منابع.

۸. کرزی اوغلو متن رساله را همراه با آوانگاری لاتین منتشر کرده است. نک: فهرست منابع. این رساله را دکتر حسن

«تاریخ عزی» اثر سلیمان عزی افندی که یک دوره زمانی محدود نه‌ساله (۶۵-۱۱۵۷ ق.) را دربرمی‌گیرد. چهار سال آن مقارن با سال‌های پایانی حکمرانی نادرشاه و پنج سال دیگر بعد از نادرشاه را شامل می‌شود.^۱ همچنین رساله کوتاهی از نویسنده‌ای گمنام به نام «تاریخ عبدی»، که مشتمل بر وقایع مربوط به شورش پاترونا خلیل است و بارها به برخوردهای نظامی ایران و عثمانی در سال‌های ۱۱۴۳-۱۱۴۲ ق. اشاره کرده است.^۲ باز در همین موضوع، اثر دیگری سراغ داریم به نام «دستار صالح» اثر صلاح‌الدین صالح افندی، کاتب اسرار سلطان محمود اول، که نسخه خطی آن در کتابخانه ملت استانبول موجود است.^۳ نویسنده مزبور اثر دیگری به نام «ضبط وقایع یومیة حضرت شهریار» دارد که در آن به وقایع سال‌های ۱۱۴۷ تا ۱۱۵۰ قمری پرداخته است.^۴

تاریخچه نوریس یک نمونه دیگر از تک‌نگاری اختصاصی از گونه مناقب‌نامه است که به قلم عبدالرزاق نوریس افندی در بیان اقدامات قهرمانانه فرمانده عثمانی، حکیم اوغلو علی‌پاشا، به رشته تحریر درآمده است. پیشینه مناقب‌نامه‌نویسی در عثمانی به دوره تأسیس آن دولت برمی‌گردد. به نوشته اسپیرلی «امیرنشین عثمانی بر مبنای فتح و غزا پدید آمد و با فعالیت‌های غازیان درویش و بیگ‌های مهاجم در مرزها، رشد و گسترش یافت. بر مبنای این واقعیت، نخستین آثار تألیف شده در دوره تأسیس دولت عثمانی، آثاری به سبک مناقب‌نامه و غزوات‌نامه بود. برای نمونه، می‌توان به مناقب‌نامه یخشی فقیه اشاره کرد که امروزه در دست نیست، ولی عاشق‌پاشازاده از آن بهره برده است.»^۵ به نوشته نوریلدز «اولین وقایع‌نامه دودمانی مهم عثمانی به زبان ترکی، برگرفته شده از منابع اوایل سده نهم/پانزدهم، نظیر «تقویم‌ها» و «مناقب‌نامه»هایی است که در آن‌ها به اعمال و اقدامات شخصیت‌های مهم پرداخته شده و نیز «غزنامه»هایی که حاوی گزارش‌هایی از نبردهای سلاطین عثمانی است.»^۶ مناقب‌نامه‌نویسی با تاریخ‌نویسی اصولاً متفاوت است.^۷ مورخ در جهت کشف وقایع و ثبت آن‌ها می‌کوشد،

حسن اسدی در اختیار اینجانب قرار دادند.

۱. صالحی، نک: فهرست منابع.

۲. این رساله از سوی فائق رشید اونات تصحیح و منتشر شده است. برای مشخصات آن نک: منابع.

۳. برای مشخصات نسخه، نک: مقدمه فائق رشید اونات بر تاریخ عبدی، ص X.

۴. نسخه خطی این اثر در دانشگاه استانبول موجود است. برای مشخصات آن، نک: مقدمه فائق رشید اونات بر تاریخ عبدی، ص X.

۵. همان، ص ۱۳۲.

۶. نک: تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی، ۱۰۱-۱۰۲.

۷. نک: سخنرانی دکتر موحد در معرفی و بررسی دستورالجمهور در هشتادمین نشست مرکز پژوهشی میراث

حال آنکه مناقب‌نامه‌نویس در بیان وقایع مبالغه می‌کند و اقدامات شخصیت یا شخصیت‌های درگیر در وقایع را با لحنی حماسی روایت می‌کند. از این رو، از شخصیت موضوع روایت به مثابه قهرمان به صورت مبالغه‌آمیز تمجید و ستایش می‌شود. نورس در تاریخچه خود دقیقاً همین روش را در پیش گرفته و در تمجید و ستایش از اقدامات به اصطلاح «مردانه» فرمانده عثمانی که وی سمت منشیگری او را برعهده داشته چیزی فروگذار نکرده است.

پیشتر اشاره شد که شاه‌طهماسب دوم هفت سال بعد از تصرف ایروان از سوی عارفی احمدپاشا در ۱۱۳۷/۱۷۲۴، با سپاهی فراوان در ۱۷۳۱/۱۱۴۳ به این شهر لشکرکشی کرد. وی با وجود محاصره ۱۸ روزه شهر، در نهایت مغلوب سپاه عثمانی به فرماندهی حکیم اغلو علی‌پاشا شد و با قبول شکست به طرف تبریز عقب‌نشینی کرد.

نورس افندی که وظیفه اصلی و نخست او در همراهی اردوی عثمانی منشیگری بوده، در جبهه و پشت جبهه حضور داشت. از این رو، مشاهدات خود را از رویارویی نظامی دو سپاه عثمانی و صفوی و نیز نتایج آن را با جزئیات به رشته تحریر درآورده است. فتحنامه ایروان و تاریخچه نورس به عنوان دو تکیه‌نگاری ارزشمند از لحاظ موضوع و نیز دوره زمانی هم‌پوشانی زیادی باهم دارند. اثر نخست پیشتر به فارسی ترجمه و منتشر شده است.^۱ این دو اثر، تصویر دقیق و روشنی از روند رویارویی ایران و عثمانی در ایروان از ۱۷۲۴/۱۱۳۶ تا ۱۷۳۱/۱۱۴۳ به دست می‌دهد.

چنانکه پیشتر گفته شد درباره رویداد مورد بحث، منبع مستقلی به فارسی نیست. از منابع موجود نیز نمی‌توان تصویر دقیق و کاملی به دست آورد. تاریخچه نورس گزارشی دقیق و دست‌اول از رویداد مزبور به دست می‌دهد. نویسنده از نخستین روز حرکت سپاه عثمانی از استانبول در رجب ۱۱۴۳/ژانویه ۱۷۳۱ تا بازگشت فاتحانه آن به این شهر در ذیقعدة ۱۱۴۴/مه ۱۷۳۲ به تفصیل و با جزئیات به چگونگی رویارویی دو سپاه ایران و عثمانی پرداخته است. وی به عنوان شاهد عینی از نزدیک در صحنه برخوردهای نظامی بوده و نیز به عنوان منشی فرمانده عثمانی در جزئیات تصمیم‌گیری‌های طرف عثمانی قرار داشته

مکتوب، ۲۰ دی ۱۳۸۹. <http://www.mirasmaktoob.ir/fa/news/3732>

۱. با این مشخصات منتشر شده است: سلحشور خاصه کمانی مصطفی‌آغا، فتحنامه ایروان: (روابط ایران و عثمانی در آستانه پرافتادن صفویان) ۱۱۳۲-۱۱۳۷ هجری قمری، تصحیح و مقدمه: محمدمنیر آق‌تپه، ترجمه از ترکی عثمانی، مقدمه، توضیحات و پیوست‌ها، نصرالله صالحی و صفیه خدیو، تهران: طهوری، ۱۳۹۴.